

## نظام پزشکی بے سامان سیرجان

گروه جامعه

گزارش

بوده و به بهترین وجهی هم از ژرفای دانش خود برای بیماران مایه می‌گذارند و هم برخورد مناسب دارند. اما این نوشته در یک سالگی فاجعه‌ی مرگ دو همشهری به دلیل قصور درمانی می‌خواهد تلنگری باشد بر مسئولان مربوطه. برای افکار عمومی سیرجان هنوز سوال است که چرا و چه شد که درمانگاه ۸۰ درصد مقصر اعلام شده‌ی مورد نظر زود بازگشایی شد با اینکه با سرجمع ۱۰ درصد قصور مسئول تزیقاتش، قصورش نود درصد می‌شد و چه جریمه‌ای اخذ شد که با قیمت جان برابری کند و التیام بخش بازماندگان باشد و چه تضمینی برای بهتر شدن شرایط آن در ادامه‌ی کار گرفته شده است؟ تازه این یک مشت نمونه‌ی خروار بود. مگر در دیگر مکان‌های درمانی سیرجان مشکل وجود ندارد؟ نگارنده خود به شخصه صحنه‌هایی را پیرامون پزشکی و درمان در سیرجان دیده‌ام که اگر همه را مفصل تعریف کنم، قصه دراز و پر غصه‌ای است.

مورد بوده که در بیمارستان بیمار عفونی را در اتاق و تخت کنار بیماری که نیاز به شرایط ایزوله داشته، قرار داده‌اند به این بهانه که تخت نداریم! یا دانشجویان دانشکده را ردیف کرده و در بیمارستانی چرخانده‌اند که تزیقات مورد نیاز بیماران را آنان - که هنوز نابلد بوده‌اند- تزریق کنند و یاد بگیرند و رگ پیدا کنند! انگار بیمار موش آزمایشگاهی باشد. مورد دیده‌ام پرستار آمده در سرم بیمار دارویی تزریقی اضافه کرده و بعد که رفته، یکبارہ شک کرده که نکند این یک بیمار دیگر بوده و بعد نام و نشان و کاغذ معرفی بیمار و بیماری‌اش را جسته! در درمانگاه‌ها هم تا دلتان بخواید مورد اشتباه دیده‌ام. از رها کردن زباله‌های عفونی دم در و در جو تا پر کردن هم زمان چند سرنگ توسط تزیقاتچی برای رفتن به سراغ چند نفری که روی تخت‌ها خوابیده‌اند. حتا جسارت کرده پرسیده‌ام که ببخشید الان کدام برای بیمار من است؟ اشتباه نکنید. جواب داده که خیالت جمع. خب به هر حال انسان است و همواره درصدی از خطا. خیال جمع چه معنی

اگر نام سازمان نظام پزشکی سیرجان را در گوگل جست‌وجو کنید، تنها چیزی که مرورگر به شما پیشنهاد می‌دهد، خواندن خبری مربوط به یک سال پیش است که در همین آذرماه اتفاق افتاده. فوت ناراحت کننده‌ی یک جوان سیرجانی به خاطر تزریق ویتامین سی در یک درمانگاه و همین‌طور فوت زنی میانسال به دلیل تزریق داروی دیگری در همان درمانگاه و حدودی در همان تاریخ و واکنش نظام پزشکی سیرجان و مشخص کردن درصد قصور آدم‌ها و مراکز دخیل در ماجرا. اگر یادتان باشد در آن روزها، جامعه‌ی ملتهب سیرجان با انواع خبرهای مبنی بر ادعای مسوولان امر پیرامون گرفتیم و بستیم و برخورد کردیم و حکم بریدیم و جریمه اعلام کردیم و مقصر مشخص کردیم روبرو بود.

اما بعد که التهاب جامعه رفته رفته کم شد و افکار عمومی فراموشکار ما باز یادش رفت، مسئولان نظارت بر امر پزشکی و درمان هم روی همین فراموشی به عنوان یک داروی مسکن جامعه حساب ویژه باز کردند و همه چیز بر روال عادی خودش برگشت. انگار نه خانی آمده و نه خانی رفته و اصلا هم مهم نبود که این میان پای جان آدم‌های سالم و سر پا و جوان درمیان است که در اوج جوانی و گل زندگی شان به خاطر قصور برخی مراکز درمانی یا کم‌کاری برخی پزشکان و پرستاران - که سوگند اخلاقی‌شان فراموش‌شان شده- زیر خروار خاک خوابیده‌اند! می‌نویسم برخی پزشکان و پرستاران تا همه را به یک چوب نرانم و ترو خشک را در داوری شتابزده باهم نسوزانم. چه بسیار دیده‌ام پزشکان و پرستاران و کادر درمان در شهرمان که شرافتمند